



منجر به آسیب رسانی نمی شود. سریال پوست شیر هم با پیچش‌ها و چینش‌های روایی مخاطب را گاهی اذیت کرده است و یا حتی با دادن آدرس‌های گمراه‌کننده به نوعی او را سرکار گذاشته است. اما اینکه مخاطبان برای دیدن قسمت‌های آتی بی‌صبرانه اذیت می‌شود نشان‌دهنده این است که اتفاقاً قصه‌گو به رسالت خود درست عمل کرده است.

### نگاهی به پرونده کارنامه فیلمسازی برادران محدودی

محمد جواد فراهانی: اولین فیلم و بهترین فیلم سینمایی برادران محمودی فیلم «چند متر مکعب عشق» است. این فیلم از جمله فیلم‌های دغدغه‌مندی بود که موفق شد مسائل متعددی را از جهان امروز را در سیر خط داستانی خود جانمایی کند و در کنار این مسئله از نظر مسائل فنی و حرفه‌ای سینمایی نیز اثر قابل دفاعی در قاب سینما محسوب می‌شود. اما در ادامه برادران محمودی با فیلم‌های مثل «هفت و نیم» و «مردن در آب مطهر» از قصه پردازی پرکشش دور می‌مانند و فیلم‌هایشان بیشتر شبیه به خطاب بیانیه‌ای می‌ماند که مظلومیت افغان‌ها در ایران نشان دهد. البته فیلم «شکستن بیست استخوان به صورت هم‌زمان» نسبتاً فیلم خوبی است که البته در جاهایی هم دچار ضعف‌هایی هم هست. در چند سال گذشته هم یک سریال به نام «سایه بان» ساخته‌ی برادران محمودی از تلویزیون پخش شد که از نظر فنی و اصول حرفه‌ای در پرداخت، سریال قابل‌اعتنایی بود. اما به نظر من آخرین ساخته برادران محمودی سریال پوست شیر از متعالی‌ترین و مترقی‌ترین آثار در پرونده کاری و حرفه‌ای آن‌هاست. سریال پوست شیر نشان داد که این کارگردان و تهیه‌کننده اگر فیلمنامه خوبی در اختیار داشته باشند می‌توانند با کارگردانی دقیق و بازی‌سازی‌های درست، اثر قابل‌تحسینی را ارائه دهند.

### مخلص کلام...

سریال پوست شیر، برای به‌تحرك در آوردن کارگردان‌ها برای تلفیق و نمایشی از سبک پردازی شروع خوبی است. هم‌اینکه نویسنده با چیدمانی بدیع از مهره‌های شطرنج یک بازی غافلگیرکننده برای مخاطب به راه انداخته، قابل‌تحسین است، علاوه بر آن موفقیت کارگردان در فضا سازی، صحنه پردازی، نورپردازی و دکوپاژ کاملاً مشهود است، طوری که تمامی قاب‌های این سریال به دقت و کیفیت یک اثر سینمایی قابل دفاع است. و همین بسیار در بالا بردن ذائقه مخاطب ایرانی کمک‌کننده است. دیگر تماشاگران ایرانی با کوچکترین قیاس ظاهری فرق فیلم خوب از بد را متوجه می‌شوند، شاید به همین دلیل است که دیگر عمده کارهای که از تلویزیون پخش می‌شوند قادر به جذب مخاطب نیستند چرا که به نوعی با آب بستن به صحنه‌ها اعتبار خود را از دست داده‌اند، البته این در مورد، تمام سریال‌های تلویزیونی را شامل نمی‌شود، اما در این میان چند سریال با کیفیتی هم که از قاب تلویزیون پخش می‌شود حکم چوب‌های تری را پیدا می‌کنند که گاهی هم پای چوب‌های خشک محکوم به سوختن هستند. سریال پوست شیر موفق شد موجی از مخاطبان علاقه‌مند را با خود همراه کند، گویا این سفارش از پیش به کارگردان مجموعه شده بود که با هر ترفندی که شده، بدون در نظر گرفتن روال منطقی داستان و تأثیرات محتوایی آن تنها اثری را بسازد که مخاطب داشته باشد. چرا که این سریال با توجه به شرایط کنونی جامعه هیچ دغدغه مهم و پرسشی از مخاطب امروز را پاسخ نمی‌دهد. اما در قامت یک مجموعه سرگرمی ساز بسیار موفق عمل می‌کند.

بهمن شیر محمد نیز در جمع بندی صحبت‌های خود از فیلم پوست شیر افزود: از نظر من در مجموع کمبود تریلرهای جنایی و معمایی در سینمای ایران بسیار احساس می‌شود، مثل آثاری چون «سرنخ» از مرحوم کیومرث پوراحمد که داغ او همچنان برای جامعه هنر تازه است، سرنخ هم علاوه بر داشتن داستانی معمایی و جنایی بسیار در جلب نظر مخاطب موفق بود، امیدوارم بعد از این شاهد ساخت سریال‌های بیشتری در این سبک باشیم. همچنین محمد جواد فراهانی صحبت‌های خود درباره این فیلم را اینگونه پایان داد که: «با ساخت این سریال از این به بعد ما شاهد ساخت سریال‌های جنایی و معمایی بیشتری خواهیم بود، این حجم از اقبال مخاطبان از این سریال قطعاً کارگردان‌ها را به ساخت فیلم‌هایی از این دست خواهد کرد، با توجه به اینکه طبق تجربه من کارگردان برای ساخت این آثار به اقتباس روی خواهند آورد، آنچه که بهتر است در این مورد رعایت شود، این است که به منبع اقتباس وفادار بمانند، چرا که پیکره بندی این داستان‌ها چنانچه با ممیزی و سلیقه شخصی از مسیر خود خارج شود، قابل ترمیم و بازگشت نیست به همین دلیل از آغاز به دنبال آن نروند بهتر است.

ها در کل من بازی بد در این فیلم ندیدم.

### پوست شیر در نگاه مخاطب

مخاطبان عصبی و ناراحت داستان را دنبال می‌کنند، و گاهی برای تخلیه مقداری از این عصبانیت‌ها از خط داستان و شکل‌گیری درام با نگاهی منتقدانه و تحلیل‌گرانه در فضای مجازی نظرات خود را بیان می‌کنند، و با اینکه بسیاری به حوادث داستان خصوصاً مرگ مجدد ساحل خرده می‌گیرند اما بی‌صبرانه منتظر قسمت‌های جدید این سریال هستند، این سریال به‌طور قطع از پر بیننده‌ترین و پر مخاطب‌ترین سریال‌ها در چند وقت اخیر بوده است و به همین خاطر اگران سینمایی آن نیز با استقبال خوبی مواجه شده است. آن چه که مشخص است، بیننده سریال پوست شیر، علاوه بر درگیر شدن عواطف و احساساتش در موقعیت‌های این سریال، پایه‌های پلیس مصلح و نعیم به دنبال بانی این حوادث هستند و در این راه با توجه به داشته‌ها نداشته‌های خود مدام در حال بررسی و حدس و کشف معمای داستان هستند، از همین رو بنا بر این ضرب‌المثل قدیمی که معما چو حل‌گشت آسان شود، انتظار می‌رود این تب تند مخاطب و غرق شدنش در داستان بلافاصله پس از پایان سریال به کلی فروکش کند، و شاید دیگر حتی حاضر نباشند قسمت کوتاهی از آن را مجدداً به تماشا بنشینند. به هر حال این از مهم‌ترین خاصیت‌های فیلم‌هایی از این دست است که از آن‌ها می‌توان با عنوان فیلم‌های یک بار مصرف هم نام برد!

بهمن شیر محمد درباره استقبال مخاطبان از سریال گفت: نظر مخاطبان در این فیلم همواره با پارادوکس همراه بوده است، همان‌طور که «لارنس فون تریه» فیلم‌ساز مشهور دانمارکی معتقد است: «فیلم باید همچون ریگی در کفش عمل کند» به این معنی که فیلم باید ما را آزار دهد اما در اندازه یک ریگ در کفش، آزاری که هیچ‌گاه

اندازه شهاب حسینی، منجی این سریال در جذب مخاطب خاص و عام است. و بسیاری از چاله‌ها و شکاف‌های دراماتیک این مجموعه در بازی مقهورانه شهاب حسینی گم می‌شود. از دیگر بازیگران مهم این مجموعه پانته‌آبهرام است که نقش لیلا، مادر ساحل را بازی می‌کند، لیلا شروع قدرتمندی در سریال ندارد، اما در ادامه با سیر حوادثی که ناگزیر بر سرش آوار می‌شود با نمایشی از مادری داغ‌دیده و کاملاً فرو ریخته موفق می‌شود تا حدودی مخاطب را با خود همراه کند. پانته‌آبهرام در نمایش شخصیت لیلا به عنوان زنی قدرتمند در تقابل با همسر دوم موفق‌تر عمل می‌کند. زنی که بعد از طرد شدن از طرف همسرش قدرتمندانه نقشی از یک زن مستقل را در ذهن مخاطب تثبیت می‌کند. و در این خط داستانی که مربوط به زندگی شخصی و تعامل او با همسر دومش است به نسبت مادر داغ‌دیده ساحل، ماندگارتر عمل می‌کند.

اما درباره نقش پردازی‌های این فیلم بهمن شیر محمد معتقد است که: از نظر من کلیت نقش پردازی‌ها در این فیلم در حد خوب و استاندارد است، و اتفاقاً در برخی نقش پردازی‌های این سریال غافلگیری‌های خوبی رخ داده، خصوصاً بازی مجتبی پیرزاده در نقش منصور باجلان، با توجه به نقش‌های که قبلاً از این بازیگر شاهد بودیم قابل توجه بود و به نوعی ارائه این نقش قاتل مریض و روانی با گریم متفاوت عنصر غافلگیری این سریال به حساب می‌آید. درباره شهاب حسینی هم اگر افران نباشد معتقدم حسینی موفق شده است بهترین پلیس ایرانی را به تصویر کشیده است. همچنین محمد جواد فراهانی درباره نقش پردازی‌های بازیگران فیلم اضافه کرد: به صورت کلی جمیع بازی‌ها در این فیلم خوب از کار درآمده است، بهترین نقش پردازی در این فیلم را شهاب حسینی دارد، بعد از آن پانته‌آبهرام و هادی حجازی‌فر و مجتبی پیرزاده از جمله چهار بازیگر خوب این سریال به‌شمار می‌آیند. نکته عجیب این است که برخلاف دیگر فیلم